یاء

دوست مهربان جناب آقا طاهر علیه بهآء اللّه ملاحظه نمایند

۱۵۲[[1]](#footnote-1)۱

بسم ربّنا الأقدس الأعظم العلیّ الأبهی

قد شهد کلّ شیء انّه لا اله الّا هو و الّذی اتی بالحقّ بملکوت البیان انّه لمشرق وحی اللّه و مظهر امره و مطلع برهانه و مصدر احکامه و مبدء آیاته و هو الغیب المکنون و السّرّ المخزون قد ابتسم بذکره ثغر العالم و فاز بظهوره عباد الّذین ما منعتهم شئونات الوری و لا ضوضآء العلمآء الّذین نبذوا الیقین عن ورائهم و تمسّکوا بالأوهام و الظّنون لا اله الّا هو المهیمن القیّوم

 یا اهل البهآء فی ناسوت الانشآء لعمر المحبوب الیوم یومکم قد طلع فجر البیان و استوی الرّحمن علی عرش البرهان طوبی لبصیر ما حجّبته سبحات الامکان و لسمیع ما منعته حجبات العرفان و ویل لمن اعرض عن یوم اللّه و تشبّث بأذیال الّذین انکروا حقّ اللّه و جادلوا بآیاته و انکروا حجّته و قاموا علی الاعراض علی شأن ناح به سکّان الملکوت

 ای دوستان نور فوق نور و عنایت فوق عنایت و رحمت فوق رحمت و عزّت فوق عزّت و نعمت فوق نعمت است انشآءاللّه محروم نمانید و ممنوع نشوید و مقامات خود را باسم مالک وجود و سلطان غیب و شهود حفظ نمائید ظلم ظالمین و اعراض معرضین و ضوضاء فاسقین شما را محزون ننماید قسم بسلطان وجود عنقریب جمیع این بساطها برچیده شود و اثری از این نفوس در ارض باقی نماند و در عرصهٴ هستی و انجمن عالم ذکر شما و مقامات شما و آنچه از شما ظاهر شده و یا در سبیل حقّ بر شما وارد گشته حرف بحرف ظاهر شود و در عالم منتشر گردد یومی از ایّام کلمه‌ئی از لسان مقصود عالمیان استماع شد مشعر بر این بود که اهل آن اطراف بعضی از ضوضای مجهولی چند در زاویهٴ خاموشی انزوا گرفته‌اند سبحان‌اللّه این ایّام فانیه قابل نبوده و نیست حکمت بسیار محبوب بوده و هست ولکن نه بشأنیکه سرج قلوب را خاموش و مخمود نماید در هر حال باید نفوس مطمئنّهٴ مقدّسه بنفحات ایّام الهی نفوس غافله و مرده را حیوة جدید بخشند در هر حال بحکمت متمسّک باشید و سرّاً در تبلیغ امر الهی مشغول که شاید ناس محروم نمانند این بسی واضح و مبرهن است که ایمان و دون آن ضرّ و نفعش بحقّ راجع نه ولکن اگر فسادی ظاهر شود و یا عمل شنیعی از عاملی ضرّش باصل سدره وارد ای اهل بها انشآءاللّه در نور بمثابهٴ آفتاب و در ثبوت بمثابهٴ جبل و در بیان بمثابهٴ بحر و در حکمت بمثابهٴ ارض باشید چه که جمیع آلاء از او ظاهر من‌دون آنکه حرکتی از او مشاهده شود و انشآءاللّه بوجه واحد در ارض محبّت و دیار مودّت ساکن و سائر باشید اینما تولّوا انّه معکم یسمع و یری و هو السّمیع البصیر

 دوست مکرّم مهربان نامه‌های آنجناب از بحر و برّ تا این حین چند کرّه بمثابهٴ قند مکرّر وارد هر مکرّری محبوب نه ولکن نامه‌های مکرّر شما فی‌الحقیقه عالم وصال را یادآوری نمود و ایّام لقا از آن ظاهر و مبعوث هنیئاً لجنابک ولکن اینعبد نظر بکثرت مشاغل که خود آنجناب هم گواهند تا این کرّه مؤیّد بر جواب نشد ولکن این نامهٴ جدید که از یزد ارسال داشتند سبب شد از برای اظهار محبّت مکنونه و بعد از ملاحظه بافق اعلی توجّه شد و تمام در ساحت امنع اقدس بشرف عرض تلقاء حضور فائز گشت فرمودند یا طاهر حنین و ناله‌ات در حین مفارقت از نظر نرفته ان اشکر بذلک جهد نما تا بآنچه الیوم سزاوار است عامل شوی و آنچه از لسان مظلوم بالمواجهه اصغا نمودی در خزانهٴ قلب باسم حقّ جلّ جلاله حفظ نما و دوستانرا بفضل و عنایتش بشارت ده امروز باید کل بکمال حکمت و استقامت و شفقت با ناس معاشرت نمایند اگر آذان واعیه یافتند القای کلمه لازم والّا الصّبر اولی در ظاهر بکمال سکون و وقار و در سرّ بنشر آثار مشغول باشند و آیات الهی را حفظ نمایند که مباد بدست خائنین افتد و یا غیر طاهری بآن مسّ نماید بگو ایدوستان حقّ جلّ جلاله بکمال ظهور و بروز و عنایت و مکرمت شما را باعمالی امر میفرماید که عرفش بدوام ملک و ملکوت باقی و پاینده باشد انشآءاللّه موفّق شوید بآنچه که در کتاب الهی نازل شده انّه یؤیّدکم فضلاً من عنده و هو الفضّال الکریم انتهی

 از حقّ جلّ جلاله این عبد فانی و سایر دوستان باید بکمال عجز و ابتهال توفیق طلب نمائیم که شاید در ایّامش از دریای رضایش قطره‌ئی بنوشیم صدهزار طوبی از برای نفسی که باینمقام فائز شد اینمقام بسیار عظیم است قد شهد بذلک قلم اللّه من قبل و من بعد و کلّ عالم بصیر و عارف خبیر

 اینکه نوشته بودید که جناب آقا میرزا احمد علیه بهآء اللّه را در سروستان ملاقات نموده‌اید و همچنین کدورات واقعهٴ مابین اینمراتب تلقاء وجه مالک اسماء عرض شد قوله تبارک و تعالی انشآءاللّه کل بکمال روح و ریحان با یکدیگر سلوک نمایند امروز باید آفاق بنور اتّفاق روشن شود آنچه لدی العرش محبوبست و فی‌الحقیقه ناصر امر اتّحاد دوستان الهی بوده حقّ جلّ جلاله جمیع را عفو فرموده لذا ایشان هم باید باصلاح ذات بین مشغول باشند و یکدیگر را عفو نمایند و از بعد به ما انزله الوهّاب فی الکتاب ناظر باشند و عمل نمایند اینست مقام اعلی مبارک نفسیکه بآن فائز شد و بر آن مستقیم ماند البهآء الظّاهر من لسان عظمتی علی احبّائی فی هناک و فی هناک الّذین ما منعتهم العالم عن الاسم الأعظم نبذوا الأوهام مسرعین الی بحر الایقان الّذی ظهر فی ایّام ربّهم الرّحمن انتهی این عبد فانی خدمت کل تکبیر و سلام میرساند و بکمال خلوص ذکر نموده و مینماید آنچه را که سبب اعظم است از برای علوّ و سموّ و ابقاء ذکر کل انّ الخادم هو السّائل و اللّه هو المجیب و هو العزیز الجمیل وقتی از اوقات لسان عظمت باین کلمه ناطق قوله جلّ جلاله یا عبد حاضر جناب ملّا احمد از نفوسی است که بلقا فائز شد و امواج بحر بیان را مشاهده نمود از حقّ بخواه او را مؤیّد فرماید بر آنچه رضای او در او است فی‌الحقیقه بعضی حرفها که شایسته نبوده از لسانش جاری انّا سترناه فضلاً من عندنا و انا السّتّار العلیم حقّ جلّ جلاله دوست میدارد احبّای خود را و اگر از نفسی خطائی ظاهر شود الی میقات معلوم صبر میفرماید و ستر مینماید باید جناب احمد منقطعاً عن نفسه و ما یتحرّک به لسانه بر خدمت امر قیام نماید و به غیر ما اذن اللّه له تکلّم نکند انّا اردنا له خیر الدّنیا و الآخرة لو یعمل بما امر به من لدنّا فی کتابی المبین انتهی ای برادر من در شفقت و عنایت حقّ ملاحظه نما مع احاطهٴ علمیّه و مشاهده کمال عنایت را مبذول میفرمایند از قول این فانی خدمت جناب آقا میرزا احمد تکبیر برسانید و مذکور دارید قدر خود را بدانید چه که در سنین معدوده تلقاء وجه احدیّه فائز بودید اینمقام حیف است از دست برود انّ ربّنا الرّحمن یسمع و یری و هو السّمیع البصیر باید از بعد آنجناب بکمال خضوع و خشوع و اتّحاد بذکر سلطان بیزوال مشغول باشند و بآنچه سبب اشتعال نار محبّت الهی است تکلّم نمایند در هر صورت لدی اللّه صلح محبوبست انشآءاللّه جناب مذکور بآنچه در این نامه ذکر شد عمل نمایند و اولیای الهی که در ارض ن و ی تشریف دارند باصلاح قیام نمایند و قلوب دوستان آن ارض را بنور اتّحاد منوّر دارند اینست امر مبرم حقّ جلّ جلاله نعیماً للعاملین

 و اینکه در باب حقوق اللّه نوشته بودند تا حال در آن ارض اینفقره بنفسی محوّل نشده که اخذ حقوق الهی نماید در سنین معدودات امر حقوق معوّق بود چه که اذن اخذ آن از مصدر امر ظاهر نشد سنین اخیره اینکلمهٴ مبارکه از لسان احدیّه مشرق قوله تعالی هر که اراده نماید حقوق الهی را ادا کند امنا اخذ نمایند و امنا ذکرشان در کتاب الهی بوده و این حکم محض فضل نظر ببعض مصالح از سماء امر جاری و نازل و نفع آن بخود عباد راجع انّه یقول الحقّ لا اله الّا هو القویّ القدیر در ارض یاء امنا موجودند من اراد ان یعمل بما امر به فی الکتاب فلیرجع الیهم آنچه بایشان برسد میرسانند طوبی للفائزین

 اینکه در بارهٴ احبّای منشاد نوشته بودید ذکر ایشان و مظلومیّت آن نفوس مقبله از قلم اعلی جاری حقّ جلّ جلاله کل را بابدع اذکار ذکر فرموده و همچنین ذکر بلایا و محن ایشانرا ولکن در اوّل امر بی‌حکمتی ظاهر انشآءاللّه از بعد موفّق شوند بر آنچه نزد حقّ جلّ جلاله مقبول است قسم باسم اعظم جمیع عالم بکلمه‌ئی از کلماتیکه در بارهٴ ایشان در این سنه نازل شده معادله نمینماید امورات عالم چه از فرح و بهجت و چه از حزن و کربت کل اقلّ من آن میگذرد ولکن آنچه از برای دوستان حضرت مقصود مقدّر شده بطراز پایندگی مزیّن است هنیئاً لمن حمل البلایا فی محبّة الله مالک الوری انّه من المقرّبین لدی اللّه العلیّ العظیم جمیع دوستان آن ارض را این خادم فانی تکبیر میرساند و این محبّت و خلوص فانی اظهار نمیطلبد چه که لوجه اللّه بوده و هست ولکن از حقّ جلّ جلاله تأیید میطلبم که ایشانرا موفّق فرماید بر آنچه سزاوار مقامات محبّت است البهآء الظّاهر اللّائح من افق سمآء فضل ربّنا مالک الأسمآء و فاطر السّمآء علیک و علی الّذین فازوا بأمره المبرم الحکیم

خ‌ادم

فی ١٠ رمضان المبارک سنة ١٢٩٩

این سند از [کتابخانهٔ مراجع بهائی](http://www.bahai.org/fa/library) دانلود شده است. شما مجاز هستید از متن آن با توجّه به مقرّرات مندرج در سایت [www.bahai.org/fa/legal](http://www.bahai.org/fa/legal) استفاده نمائید.

آخرین ویراستاری: ۱۹ ژانویه ۲۰۲۳، ساعت ۴:۳۰ بعد از ظهر

1. ۱ ارقام ٢ و ۵ و ١ بر طبق حساب ابجد بترتیب معادل عددی حروف ”ب“ و ”ه“ و ”الف“ است که مجموع آنها کلمه ”بها“ را تشکيل ميدهد. [↑](#footnote-ref-1)